

گفت‌وگو با اسدالله رضایی، دبیر پیشکسوت علوم اجتماعی

علوم اجتماع

درس زندگی

محمود اردو خانی

اشاره

مرور تاریخ شفاهی آموزش علوم اجتماعی در ایران از خلال گفت‌وگو با دبیران و معلمان پیشکسوت علوم اجتماعی موضوعی است که مجله «رشد آموزش علوم اجتماعی» از امسال به آن خواهد پرداخت. در این سلسله مقالات، از طریق تجربیات و خاطرات تلخ و شیرین معلمان، جایگاه و منزلت این درس، تغییرات منابع و سرفصل آن در طول سال‌ها و نیز تغییر و تحولات روش‌های تدریس و ارزشیابی آن از گذشته تاکنون بررسی خواهد شد.

در اولین شماره از این مجموعه به سراغ استاد اسدالله رضایی، از معلمان با سابقه در خراسان شمالی رفتیم. او که کارنامه‌ای ۳۰ ساله در تدریس علوم اجتماعی و مسئولیت‌های مدیریتی و سرگروهی این درس را دارد، اکنون با وجود بازنشستگی از آموزش و پرورش، به‌عنوان استاد در دانشگاه‌های فرهنگیان، آزاد و پیام‌نور و اشراق به تدریس علوم اجتماعی مشغول است.

○ چگونه با علوم اجتماعی گره خوردید و از کجا و چگونه به این درس علاقه‌مند شدید؟

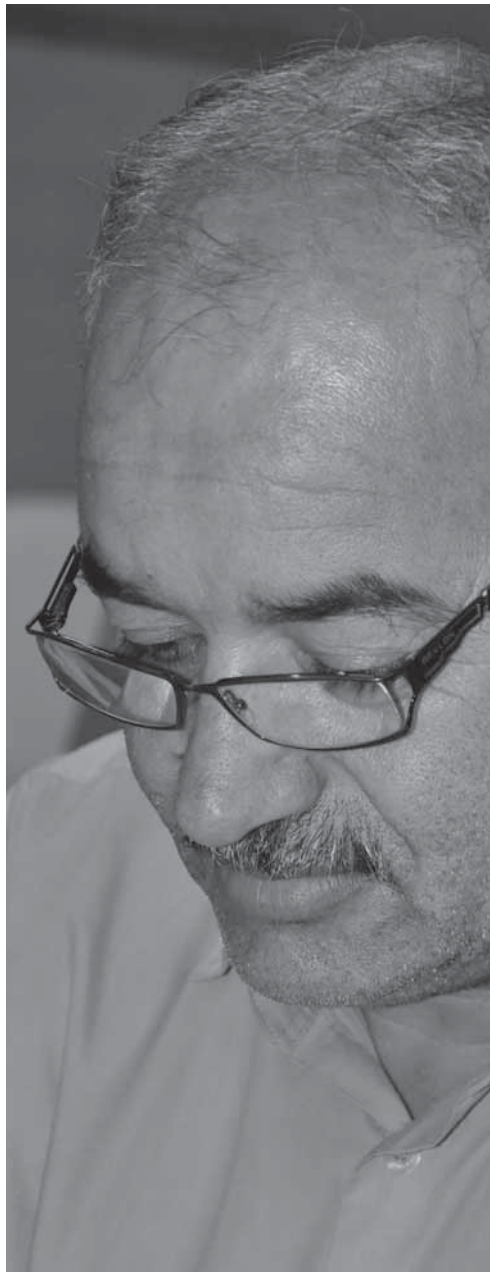
● آشنایی و علاقه‌ام به علوم اجتماعی موضوع جالبی دارد. در دورانی که در مدرسه درس می‌خواندم، برای اولین مرتبه تجدید شدن و افتادن از یک درس را تجربه کردم و باید این درس را برای شهریور می‌خواندم. این موضوع فرصتی ایجاد کرد تا تأمل بیشتری داشته باشم و با این درس ارتباط برقرار کنم که نهایتاً به علاقه شدید من به این درس انجامید.

بعد از آن طی دوره تحصیل در دبیرستان، همیشه بهترین نمره‌هایم را از درس علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی می‌گرفتم. در آن موقع اقتصاد و علوم اجتماعی با هم آمیخته بودند من این رشته را ادامه دادم. عنوان رشته «اقتصاد اجتماعی» بود.

بعد از دبیرستان، در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران قبول شدم و مدت چهار سال به تحصیل در این رشته ادامه دادم هر روز که بیشتر مطالعه می‌کردم، علاقه‌مندتر می‌شدم.

این حوزه علمی برایم جذابیت داشت تا اینکه در نهایت کارشناسی ارشد را هم در همین جهت اما با شاخه و گرایش جامعه‌شناسی ادامه دادم.

○ تدریس و آموزش علوم اجتماعی را از چه سالی، در کجا و با چه کتابی آغاز کردید و سرفصل‌های مباحث مهم چه بود؟





عکس: علیرضا مدیر شانه چی - خراسان رضوی - هفتمین جشنواره عکس رشد

● همان‌طور که گفتیم، در دوران تحصیل ما عنوان درس اقتصاد اجتماعی بود. یعنی حوزه‌های اقتصادی را در برمی‌گرفت که جنبه‌های کاربردی داشت و بیشتر مورد توجه جامعه بود و با جامعه‌شناسی آمیخته بود؛ به‌خصوص اول انقلاب که ما وارد دبیرستان شدیم و شروع انقلاب بود. تغییراتی که به دنبال انقلاب اسلامی ایجاد شده بود، در حوزه جامعه‌شناسی خیلی تأثیر گذاشت. چون مسائل جامعه قبلی مورد تأیید انقلابیون نبود، کتاب‌ها مرتب تغییر می‌کردند و مباحث کتاب‌ها بر پایه اصول اسلامی و انقلابی نوشته می‌شدند، آن‌هم در یک بستر سیاسی و اجتماعی که قاعدتاً باید جوانان را از نظر فکری تغذیه می‌کرد. لذا مقوله‌ها و مباحث کتاب‌ها بیشتر سیاسی بودند، گرچه جنبه‌های اجتماعی هم وجود داشتند. بنابراین، در تألیف کتاب‌های علوم اجتماعی بیشتر افراد سیاسی دست داشتند و رویکردها هم بیشتر مبتنی بر مباحث و مقوله‌های سیاسی بودند. تغییر و تحول هر ساله کتاب‌ها هم امری عادی بود. یعنی تا آنجا که من به یاد دارم، امکان نداشت یک کتاب علوم اجتماعی را که سال قبل تدریس کرده بودیم، بدون تغییر امسال هم درس بدهیم.

معمولاً هر ساله مباحثی جدید در حوزه تدریس وارد می‌شدند. خود این تغییرات هر ساله از یک سو، و عدم تجربه و تخصص و اعتبار مؤلفان در حوزه علوم اجتماعی، از جمله انتقاداتی بود که همان موقع به این کتاب‌ها می‌شد.

○ دانش‌آموزان چگونه با این مباحث ارتباط پیدا می‌کردند؟ مباحث برایشان چه قدر جذابیت داشت و ملموس و کاربردی بود؟

● در زمانی که من وارد تدریس شدم، آرام آرام یک سلسله جریان‌ها جدیدی وارد عمل شدند. اما پیش از آن، به دلیل آنکه تأکیدات درس علوم اجتماعی بر محفوظات بود نوعی حالت دلزدگی از این درس بین دانش‌آموزان ایجاد شده بود و من این موضوع را احساس می‌کردم. البته چون قبل از انقلاب روش تدریس سنتی بود، تغییر و تحولی در زمینه یاددهی و یادگیری ایجاد نشده بود بنابراین نهایتاً این موضوع قابل هضم بود. اما بعد از پیروزی انقلاب افق دیدها باز شد و مطالب درسی خصوصاً در ارتباط با کشورهای دیگر و کشورهای انقلابی بیشتر شد. به‌علاوه، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شدند و دیگر آن حالت سنتی که بر محفوظات تأکید داشت، خاصیت خودش را از دست داد. ناگزیر باید آموزش و تدریس علوم اجتماعی وارد مقوله‌های جدیدی می‌شد

که بیشتر بر آموزش مهارت‌ها در حوزه علوم اجتماعی تأکید داشتند.

● روش تدریس‌تان چگونه بود و چگونه طرح بحث می‌کردید؟ آیا فقط مطالب کتاب را تدریس می‌کردید یا خارج از کتاب هم مطالبی را درس می‌دادید؟

● این سؤال خیلی جالب است. فکر می‌کنم اگر معلم بیشتر تأکیدش بر تدریس مطالب کتاب باشد، هیچ جاذبه‌ای برای دانش‌آموزان نخواهد داشت. معمولاً مطالب مطالعات اجتماعی را هر کسی می‌تواند مطالعه کند و بفهمد. معلمی در این زمینه می‌تواند موفق باشد که علاوه بر مطالب کتاب، مطالعات و اطلاعات به‌روزی داشته باشد و با خود به کلاس ببرد. من فکر می‌کنم اوایل کلاس دانش‌آموزان به حرف‌های معلم گوش می‌دهند، اما اگر بفهمند که تکیه معلم فقط به مطالب کتاب است، کلاس را رها می‌کنند و دیگر به او گوش نمی‌دهند.

به همین دلیل فکر می‌کنم دانش‌آموزان نوعی پویایی به من معلم می‌دهند. آن زمان احساس می‌کردم، اگر فقط از کتاب بگویم، توجهی به درس نخواهند کرد. خودشان هم می‌توانستند مطالعه کنند. این نگاه دانش‌آموز و تعاملی که با آن‌ها داشتیم، مرا وادار می‌کرد علاوه بر مطالب کتاب، مثال‌های متنوع و متعددی را که در مطالعات خارج از کتاب داشتیم، بیان کنم تا کلاس برای دانش‌آموزان جاذبه داشته باشد. قبلاً تصور می‌شد که در حوزه اجتماعی دانش داریم، نه مهارت. ولی بعدها صاحب‌نظران علوم اجتماعی نشان دادند که در ارتباط با مسائل اجتماعی مهارت‌های پیچیده‌ای وجود دارند؛ مهارت‌هایی چون اندیشیدن، مسئولیت‌پذیری، تصمیم‌گرفتن، تفکر انتقادی و تفکر خلاق.

● آیا در تغییرات کتاب درسی از دبیران هم نظر می‌خواستند؟

● تا جایی که در جریان هستم و پیش از یک دهه سرگروه شهرستان و استان بودم، در این زمینه معمولاً از سرگروه‌ها نظرخواهی می‌کردند. گاه هم نظرات سرگروه‌ها را نادیده می‌گرفتند. چنین رفتاری در حوزه جامعه‌شناسی بیشتر دیده می‌شد. در همایش‌ها و گردهمایی‌ها مسئولان شدیداً توسط سرگروه‌ها مورد انتقاد قرار می‌گرفتند، خصوصاً در مورد کتاب‌های جامعه‌شناسی که در سال‌های اخیر دچار تغییر و تحول شده‌اند. در حال حاضر به‌خاطر کمبود بودجه دیگر همایش‌های سالانه هم که دبیرخانه متولی آن بود، برگزار نمی‌شوند. قبلاً مؤلفان کتاب‌های درسی شدیداً مورد انتقاد قرار می‌گرفتند. همکاران می‌پرسیدند: چرا کسی که در رابطه با موضوع کتاب تخصص ندارد، مطالب را می‌نویسد؟!

معمولاً نقدها و نظرات دبیران را مسئولان تألیف کتاب‌ها از طریق دبیرخانه و از طریق همایش‌ها می‌گرفتند، اما اصلاً لحاظ نمی‌کردند که بعدها شدیداً این رویه مورد انتقاد قرار گرفت.

● تغییر و تحول کتاب‌ها را طی سال‌های متفاوت و به‌ویژه در مقایسه با حال حاضر چگونه می‌بینید؟

● بنده به‌خاطر علاقه شدید در بطن مسائل جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی بوده و هستم. در یکی از همایش‌هایی که در دانشگاه تهران

در مورد نقد کتاب‌های درسی علوم اجتماعی برگزار شد، من هم به‌عنوان دانشجو حاضر بودم.

یکی از سخنرانان همایش، مؤلف کتاب دانش اجتماعی بود. به ایشان گفتند شما در علوم اجتماعی تخصص ندارید، چرا این مطالب را می‌نویسید؟ ایشان در دفاع می‌گفت من در دانشکده علوم اجتماعی استادی همراه انقلاب ندیدم که کتاب را بدهم او بنویسد. انگار برق حاضران را گرفته باشد، همه از روی صندلی‌ها بلند شدند و با لحنی شدید اعتراض کردند.

● در حال حاضر با توجه به اینکه مدرس دانشگاه هستید، آیا بررسی و مطالعه کتاب‌های درسی علوم اجتماعی باز هم جزو دغدغه‌های شماست؟

● به نظر من کتاب‌های مدارس ارتباط چندانی با درس‌های دانشگاه‌ها ندارند. کلی‌گویی هستند و اختلاطی هم با فلسفه و مسائل دینی دارند. اعتقاد همکاران بیشتر این است که مطالب کتاب‌ها به این شکل دیگر جامعه‌شناسی نیست. البته حوزه دین هم از موضوعات مهم علوم اجتماعی است، اما ما در حوزه جامعه‌شناسی خیلی مسائل دیگر داریم که کتاب در مورد آن‌ها ساکت است؛ مثل اقتصاد، سیاست، خانواده و خیلی مقوله‌های دیگر. سیاست را خیلی محدود کردند و مطالب گذشته را به‌خاطر تغییر و تحولات حذف کردند.

● نشریات یا کتاب‌های کمک آموزشی درس علوم اجتماعی در زمان شما چه وضعی داشتند؟

● منابع آموزشی ابتدا کم بود و بین دانش‌آموزان هم کمتر رواج داشت. اما من فکر می‌کنم یکی از بهترین منابع آموزشی مجله رشد علوم اجتماعی است. بقیه بیشتر حالت تجاری و بازاری دارند تا علمی. کتاب‌های تجاری گرچه برآمده از کتاب‌های درسی هستند، اما روند و رویه دیگری را دنبال می‌کند و هدفشان نه یادگیری که بیشتر تست‌زنی است.

در این میان، مجلات رشد دارای مؤثرترین مطالب علمی آموزشی هستند. تحقیقاتی که همکاران ما انجام می‌دادند بیشتر روی مجلات رشد متمرکز بودند که هم برای دبیران و هم برای دانش‌آموزان به‌صورت خاص ارائه می‌شدند.

● قبلاً میزان ساعت تدریس علوم اجتماعی چگونه بود؟

● در دوره ابتدایی به لحاظ زمانی تنگنایی وجود دارد. البته عنوان آن در حال حاضر مطالعات اجتماعی است که سه درس تاریخ، اجتماعی و جغرافیا را پوشش می‌دهد. تدریس آن مشکلات خاص خود را دارد و زمان آن نیز محدود است. به آن دو ساعت داده‌اند، در حالی که به ریاضی شش ساعت اختصاص داده‌اند. این مشکل را در دانشگاه فرهنگیان هم داریم. موضوعات بسیار وسیع و گسترده و زمان خیلی محدود است. به‌خصوص در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی یا اول متوسطه هم همین‌طور است. اما در دبیرستان که بحث‌ها تخصصی می‌شوند، فکر می‌کنم زمان تدریس مناسب باشد.

● ارزیابی شما از دوره‌های آموزشی ضمن خدمت که



برای معلمان و دبیران علوم اجتماعی برگزار می‌شود، چیست؟

● در این زمینه به‌عنوان استاد ضمن خدمت تدریس فراوانی داشته‌ام و می‌دانم مشکلات عدیده‌ای در این زمینه وجود دارد. تأکید دوره‌های آموزش ضمن خدمت باید به‌روزرسانی اطلاعات دبیران و معلمان باشد، اما الان بیشتر موضوع صدور گواهی‌نامه مطرح است و از هدف اصلی خود دور افتاده است.

از طرف دیگر، گرفتاری‌های همکاران و دغدغه‌های مادی، انگیزه کمی برای تدریس باکیفیت گذاشته است. همه این مسائل دست‌به‌دست هم داده و موجب شده‌اند که آموزش‌های ضمن خدمت از جدیت و کارایی لازم برخوردار نباشند. در مقایسه با گذشته هرچه به عقب‌تر می‌رویم، می‌بینیم آموزش‌ها جدی‌تر بوده‌اند. در حال حاضر فکر می‌کنم مسئولان هم به همین نتیجه رسیده‌اند و به این خاطر کم‌کم دارند آموزش‌ها را الکترونیکی می‌کنند.

○ در گذشته و در زمان تدریس شما، دبیران علوم اجتماعی نزد مسئولان مدرسه، منطقه، و والدین دانش‌آموزان چه مقدار ارج و قرب یا اهمیت و اعتبار داشتند؟

● متأسفانه به نظر من در این رابطه یک نگاه منفی وجود دارد؛ هم در دانش‌آموز و هم در مسئولان مدرسه. گرچه ممکن است برخی جاها علوم اجتماعی محوریت داشته باشد. مثلاً امتحان درس علوم اجتماعی را می‌گذارند برای روز آخر، یعنی وقتی که دانش‌آموز خسته می‌شود. البته این برمی‌گردد به همکار فرهنگی که این درس را تدریس می‌کند. من در دبیرستانی که درس می‌دادم، به شدت دفاع می‌کردم که چرا درس مطالعات اجتماعی را همیشه می‌برید به آخرین روزها، چرا باید چنین حالتی باشد؟ این اعتراض مؤثر واقع می‌شد.

وقتی در بجنورد تدریس می‌کردم، نگاه والدین به علوم اجتماعی نگاه به یک درس سطح پایین بود و عقیده داشتند، دانش‌آموز خودش می‌تواند مطالعه کند. متأسفانه روز‌به‌روز هم این نگاه دارد تقویت می‌شود. خاطره‌ای را برایتان بگویم. یکی از همکاران ما که رشته‌اش ریاضی بود، پسری داشت که شاگرد من بود. او از درس من که علوم اجتماعی بود، افتاد. همکار ما به‌عنوان اعتراض و انتقاد شدید به من گفت: پسر من از ریاضی نمره ۱۸ گرفته است، چرا در درس تو باید بیفتد؟! من هم خیلی راحت گفتم: درس ریاضی را جدی گرفته ۱۸ شده و این طبیعی است، ولی اگر مثل پدرش فکر کند که این درس سطح پایین است، خب طبیعی است که می‌افتد. اجازه بده این

روند ادامه پیدا کند تا او متوجه جایگاه علوم اجتماعی بشود. آن پسر الان در رشته علوم اجتماعی درس می‌خواند و خیلی هم به من علاقه دارد و احترام می‌گذارد. واقعیت این است که علوم اجتماعی مهم‌ترین درس است. امکان دارد من هم به‌خاطر آنکه اطلاع چندانی از ریاضی ندارم، این درس را خشک و به‌دردنخور بدانم. در حالی که درس علوم اجتماعی درس زندگی است که، خیلی ساده از کنار آن می‌گذریم. در جلسه‌ای یکی از مسئولان اداری و ستادی آموزش و پرورش که رشته خودش ریاضی بود، اظهار داشت: متأسفانه در کتاب‌های درسی ما در رابطه با اقتصاد، سیاست، مسائل خانواده و این موضوعات مطلبی وجود ندارد. من بلند شدم و گفتم معلم علوم اجتماعی هستم، فکر می‌کنم شما در دوران تحصیلتان به این درس درست توجه نکردید.

چون برای نمره گرفتن و امتحان دادن این درس را خوانده‌اید، فکر می‌کنید که در این زمینه مطلبی وجود ندارد.

○ اگر بخواهید حاصل عمرتان را در تدریس این درس خلاصه کنید، به دبیران امروز علوم اجتماعی چه توصیه‌هایی می‌کنید؟

● توصیه می‌کنم نگاه منفی به علوم اجتماعی را از خودشان دور کنند، مطالعه عمیق و دقیق مستمر داشته باشند. به کتاب درسی تنها اکتفا نکنند. به دانشجویها هم گفته‌ام من زندگی موفقی دارم. فکر می‌کنم اگر کسی بتواند از درس علوم اجتماعی درست بهره‌برداری کند، گذشته از داشتن یک زندگی سالم، پایدار و موفق به جهت تعاملات اجتماعی در خانواده و جامعه، حتی از لحاظ اقتصادی نیز بیشتر موفق خواهد بود. من خودم در حال حاضر پروژه‌های عمرانی و ساخت‌وساز را مدیریت می‌کنم و این حاصل کار و تأمل من در درس جامعه‌شناسی سازمان‌هاست. اتفاقاً دانشجویانم در این زمینه بسیار به من کمک کرده‌اند. یکی از کارهای مهمی که همیشه پیگیر آن هستم، این است که در پروژه‌های که می‌خواهم اجرا کنم، دانشجوی را به‌عنوان بازدید می‌برم تا ببینند. چون می‌خواهم آن نگاه منفی نسبت به علوم اجتماعی - که به هیچ دردی نمی‌خورد - از بین برود. خیلی‌ها فکر می‌کنند جامعه در حال رکود اقتصادی است و کار اقتصادی خطرناک است. اما نگاه من این است که در زمان رکود می‌توان بهره‌وری اقتصادی مؤثری داشت. دانشجویان را برای بازدید از شهرک‌های صنعتی می‌برم و به آن‌ها کارآفرینی و کاربردهای علوم اجتماعی را در زندگی شغلی و حرفه‌ای نشان می‌دهم.



عکس: سالار پویان - اذربایجان شرقی - میانه - هشتمین جشنواره عکس‌رشد